



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

## بررسی انواع سبک مدیریت کلاس معلمان در کلاس درس

حسن بلوچ زهی<sup>۱</sup>، شعیب ملازاده<sup>۲</sup>، عبدالمجید ریگی جالق<sup>۳</sup>، کاظم رئیسی<sup>۴</sup>، رزیتا ارباب شستان<sup>۵</sup>، نوید ریگی<sup>۶</sup>

۱- کارشناس ارشد رشته تکنولوژی آموزشی، دبستان شهید اسماعیل بلوچ، فرهنگی، مدیریت آموزش و پرورش شهرستان قصرقند، قصرقند، ایران  
۲- لیسانس رشته آموزش ابتدایی، دبستان حضرت علی (ع)، فرهنگی، آموزش و پرورش منطقه جالق، گلشن، ایران  
۳- کارشناس ارشد رشته میکروبیولوژی، معاونت آموزشی اداره، فرهنگی، آموزش و پرورش منطقه جالق، گلشن، ایران  
۴- لیسانس رشته زبان و ادبیات فارسی، دبیرستان شهید دستغیب، فرهنگی، مدیریت آموزش و پرورش شهرستان سراوان، سراوان، ایران  
۵- فوق دیپلم رشته آموزش ابتدایی، مدرسه استثنایی الغدیر، فرهنگی، مدیریت آموزش و پرورش شهرستان سراوان، سراوان، ایران  
۶- لیسانس رشته آموزش ابتدایی، کارشناس سواد آموزی اداره، فرهنگی، آموزش و پرورش منطقه جالق، گلشن، ایران

*baloochzahihasan@gmail.com*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی انواع سبک مدیریت کلاس معلمان در کلاس درس بود. بنابراین می توان گفت مدیریت کلاس درس یکی از مهم ترین مسائل در تنظیمات آموزش و پرورش و مورد نیاز برای بررسی اعتقادات و اعمال مدیریت کلاس درس معلمان است. اهمیت مدیریت کلاس و نقش آن در تدریس اثربخش، زمانی بیشتر آشکار می شود که مشاهده شود مربیان و مدرسان مبتدی، زمان زیادی را صرف سازمان دهی و مدیریت کلاس می نمایند و تا زمانی که نتوانند کلاس خود را به درستی سازمان دهی و مدیریت نمایند نمی توانند توجه و تمرکز خود را به فرآیند یادگیری- یاددهی معطوف نمایند. هنگامی که معلم از آزدن دانش آموزان و پیش داوری های غیراصولی پرهیز می کند و نیز توجه و علاقه ی خود را به آن ها ابراز می دارد رابطه ی مطلوب میان معلم و دانش آموز برقرار می شود هنگامی که دانش آموزان معلم خود را دوست داشته باشند و به او اعتماد کنند و احترام بگذارند تأثیر بسزایی بر گرایش های انگیزش تحصیلی ایشان خواهد داشت.

**کلیدواژه ها:** سبک مدیریت کلاس، معلمان، کلاس درس.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۱-مقدمه

آموزش و پرورش در هر جامعه اهدافی را دنبال می‌کند. در مدرسه، هدف از آموزش، انتقال آموخته‌ها و دانش‌ها از نسلی به نسل دیگر است و هدف از پرورش، بار آوردن دانش‌آموزان مطابق با توقعات و خواسته‌های خانواده‌ها و دولت است:

الف- در واقع، فرد - اجتماعی شدن را در مدرسه می‌آموزد، با ورزش‌ها و هنجارها آشنا می‌شود و یاد می‌گیرد که آن‌ها را رعایت کند. همچنین بانظم و انضباط اجتماعی آشنا می‌شود و نقش‌های اجتماعی را می‌شناسد و خود را باید آماده پذیرفتن مسئولیت و حضور فعال در جامعه کند. بی‌جهت نیست که امید تمام نهادهای اجتماعی و خانواده‌ها به مدرسه است؛ زیرا آینده‌سازان هر کشور، در مدرسه تربیت می‌شوند.

ب- برقرار کردن روابط عاطفی با دانش‌آموزان و رفتار محبت‌آمیز به‌جا و به‌موقع، از دیگر اصول تعلیم و تربیت صحیح است. این نحوه رفتار، به دانش‌آموزان می‌آموزد که بر احساسات خود غلبه کنند و به شیوه صحیح، ابراز عواطف کنند.

ج- معلم از طریق درس دادن، رابطه‌ای علمی با شاگردان برقرار می‌کند. اگر این روش تدریس باروحيه‌ای شاد و سرحال باشد، در دانش‌آموزان ایجاد انگیزه می‌کند و آن‌ها نیز با شورونشاط در کلاس حاضر می‌شوند و از درس خواندن، لذت می‌برند و همین عامل، آن‌ها را به‌سوی خلاقیت و نوآوری و ظهور استعدادها و بیان اندیشه‌ها و ... سوق می‌دهد.

د- از دیگر وظایف معلم، برقراری روابط اجتماعی صحیح و سالم و آموزش آن به دانش‌آموزان است. یکی از اهداف آموزش و پرورش، همین مسئله است. دانش‌آموز باید از طریق مدرسه و به‌وسیله معلم، اجتماعی شدن را بیاموزد و با کسب مهارت‌های اجتماعی موردنیاز جامعه، هم‌موجب موفقیت و پیشرفت خودش و هم باعث اعتلای جامعه‌اش شود (یغما، ۱۳۹۰).

توانایی و اداره کلاس و ایجاد رفتار مطلوب در دانش‌آموزان، بخشی مهمی از کار معلم و کلاس و زمینه مناسب برای یادگیری است. به نظر می‌رسد معلم برای اداره مطلوب و منظم کلاس درس به دو مهارت نیاز دارد.

## ۲-مهارت های معلم برای اداره مطلوب کلاس

### ۱-۲ برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش‌آموزان

#### ۲-۲- مدیریت کلاس

این دو مهارت باعث تسهیل امر آموزش و کاهش رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان می‌شود. جو کلاس در هر شرایط بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه، مطالعه، تحصیل و حتی خودپنداری آن تأثیر می‌گذارد (کدیور و جوادی، ۱۳۹۱).

جهت دستیابی به این هدف لازم است بدانیم چگونه ارتباط برقرار نماییم و ارتباطات اثربخش چه ویژگی‌هایی دارد و معلمان ریاضی چگونه می‌توانند از آن‌ها در جهت ایجاد ارتباط مؤثر و اثربخش با دانش‌آموزان، به‌منظور انجام یاددهی و یادگیری مطلوب‌تر درس ریاضی بهره ببرند. اگر رابطه نباشد، آموزش معنی ندارد. معلمان در همان آغاز کار، متوجه می‌شوند که یکی از اولین و مهم‌ترین مسائل، نحوه برقراری ارتباط با دانش‌آموز است (سیف، ۱۳۹۰).

مسلم است که چگونگی کیفیت رابطه معلم و دانش‌آموز تا حد زیادی روی یادگیری او تأثیر می‌گذارد. به عنوان دانش‌آموز، وقتی معلمان خود را دوست می‌داشتیم یا به آن‌ها عشق می‌ورزیدیم، در خواندن درس‌هایشان سعی و تلاش بیشتری می‌کردیم و بیشتر یاد می‌گرفتیم (زندى، ۱۳۹۱).

این مهم است که دانش‌آموزان نظر مثبتی از معلمانشان داشته باشند، چرا که رهبری معلمان در کلاس درس اثر زیادی در ایجاد محیط آموزشی مؤثر دارد و کیفیت رفتار میان فردی معلم و ارتباط با دانش‌آموزان نشانه‌ای است از کیفیت رهبری در کلاس درس. معلمان همیشه به‌قدری مشغول تدریس هستند که فرصتی برای مشاهده جزئیات صعود و نزول درگیری دانش‌آموز ندارند. رفتار میان فردی معلم و خوب بودن او جنبه‌های مهم از محیط کلاس هستند. معلمان برای بهینه کردن شرایط محیط، می‌بایستی تلاش کنند تا محیط یادگیری قوی ایجاد کنند. ممکن است معلمان قادر به ایجاد محیط



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کلاس مطلوب‌تری باشند، محیطی موافق که از طریق روابط میان فردی مثبت شناسایی شده باشد که در آن هر فردی احساس خوبی داشته باشد (ون پتگم او همکاران، ۲۰۱۰).

هرچقدر دانش آموزان در مدرسه و کلاس درس در مسائل مربوط به مدرسه و کلاس مشارکت داده شوند و از توانمندی‌های آن‌ها استفاده شود، کمک خواهد کرد که آن‌ها عزت‌نفس بیشتری پیدا کنند و عوامل مدرسه و معلمین را منصف‌تر بدانند، این کار سبب نزدیکی بیشتر عوامل مدرسه به دانش‌آموزان می‌گردد. علاوه به راین توانمندی‌های آن‌ها را رشد داده و عزت‌نفس دانش آموزان را تقویت می‌کند؛ بنابراین مدیریت کلاس درس یکی از مهم‌ترین مسائل در تنظیمات آموزش و پرورش و مورد نیاز برای بررسی اعتقادات و اعمال مدیریت کلاس درس معلمان است. اهمیت مدیریت کلاس و نقش آن در تدریس اثربخش، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که مشاهده شود مربیان و مدرسان مبتدی، زمان زیادی را صرف سازمان‌دهی و مدیریت کلاس می‌نمایند و تا زمانی که نتوانند کلاس خود را به‌درستی سازمان‌دهی و مدیریت نمایند نمی‌توانند توجه و تمرکز خود را به فرآیند یادگیری- یاددهی معطوف نمایند (ناصرزاده و شیخ، ۱۳۹۳).

مدیریت کلاس درس، دامنه‌ای گسترده‌ای از فرآیندها و تعاملات کلاسی را دربرمی‌گیرد و متغیری کلیدی در ایجاد جو مطلوب برای آموزش و یادگیری دانش آموزان به شمار می‌آید؛ یعنی علاوه بر آموزش، شامل کلیه تعاملات دانش آموزان به معلم و با یکدیگر، محیطی فرهنگی و اجتماعی و روان‌شناختی کلاس نیز می‌رود و به عبارتی، اصطلاح جامعی است که فعالیت‌های معلم برای نظارت بر فعالیت‌های کلاس نیز می‌شود و به عبارتی، اصطلاح جامعی است که فعالیت‌های معلم برای نظارت بر فعالیت‌های کلاس درس، شامل رفتارهای دانش آموزان تعاملات و یادگیری آن‌ها می‌شود (اورتسون و ویستین، ۲۰۰۹).

مدیریت کلاس درس، شامل جنبه‌های بسیاری، از جمله: مدیریت فضا، زمان، فعالیت‌ها، مواد آموزشی، ارتباطات اجتماعی و رفتار دانش آموزان؛ بنابراین، این مفهوم، با طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های برعهده‌گرفته شده معلم در کلاس درس، مرتبط است (دجیگیک و استوجیلکوویک، ۲۰۱۳).

ولفگانگ و گل کیمن، چارچوبی بسیار جامع براساس نظریه‌های مدیریت کلاس و روانشناسی یادگیری ارائه داده‌اند که در آن سه رویکرد اساسی به مدیریت کلاس مطرح شده است. این رویکردها در یک پیوستار کنترل به ترتیب عبارتند از: رویکرد مداخله‌گرایانه، رویکرد تعامل‌گرایانه و رویکرد غیر مداخله‌گرایانه. در این پیوستار هرچه از مداخله‌گرایی به سمت غیرمداخله‌گرایی پیش رویم، میزان کنترل کم و در مقابل مشارکت و مسغولیت دانش آموزان در کلاس افزایش می‌یابد (هادی، ۱۳۹۵).

## ۳- انواع مدیریت کلاس

### ۳-۱- رویکرد غیر مداخله‌گرایانه

در این رویکرد بر اساس باور انسان‌گرایان فرض بر این است که کودک انگیزه‌ی درونی برای شناخت دنیای واقعی دارد و نیازی به تحریک بیرونی ندارد، چراکه رشد تحت‌غریزه پدید می‌آید (مارتین و شوهو، ۲۰۰۳).

۱ - Van petegem

۲- Evertson, C. M. & Weistein

۳- Djigic, G. & Stojiljkovic

۴ - Martin & Shoho



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یکی از مدافعان دیدگاه انسان‌گرایی معتقد است که معلم بایستی سعی در درک موقعیت یادگیری دانش‌آموزان با آزاد گذاشتن آنان در بیان دیدگاه‌هایشان نماید. او بیان می‌کند که وظیفه‌ی معلم تعیین تکلیف کردن، تحمیل، ریشخند زدن و چاپلوسی نیست بلکه کمک‌رسان فرایندی است که از قبل وجود داشته و ادامه می‌یابد. نقش چنین معلمی دوست، همکار، تسهیل‌گر، کمک‌کننده و مشوق است. یک معلم غیر مداخله‌گر معتقد است که اصل اساسی تعلیم و تربیت، انسان‌گرایی و دادن فرصت‌هایی به دانش‌آموزان برای انتخاب و مدیریت یادگیری‌شان است و این به معنای دادن آزادی انتخاب کامل به دانش‌آموزان نیست؛ بلکه اجازه دادن به آن‌ها برای مشارکت در بحث‌هایی راجع به آنچه مطالعه می‌شود و این‌که چه چیزی و چگونه مطالعه خواهد شد، می‌باشد. با چنین عقیده‌ای معلم مسئولیت‌ها را به دانش‌آموزان واگذار می‌کند و فرصت بیشتر برای تعامل آزاد در کلاس و پیروی آن‌ها از علائق شخصی خود را برای آنان فراهم می‌کند. در این رویکرد دانش‌آموزان مجازند تا نفوذ قابل توجهی در کلاس درس داشته باشند و معلمان نیز بایستی برای تعدیل و اصلاح رفتارهای دانش‌آموزان کمتر مداخله کنند (اویک آیدین و همکاران، ۲۰۰۹).

در دیدگاه انسان‌گرایی کارل راجرز ۲ رباب‌رجوع (دانش‌آموز) نسبت به درمانگر (معلم) بایستی تحت کنترل باشد. معلم آنچه را که اشتباه است یا آنچه را که بایستی در مورد مسائل وجود داشته باشد، به دانش‌آموزان نمی‌گوید اما در عوض تقبل می‌کند که دانش‌آموزان به‌طور مؤثری چگونگی کنترل رفتارهای خویش را یاد بگیرند. راجرز ادعا می‌کند که یک درمانگر (معلم) بایستی صمیمی و نگرش‌پذیرنده‌ای نسبت به دانش‌آموز داشته باشد و بر تفکرات و احساسات دانش‌آموز تأکید کند. با ایجاد چنین شرایطی دانش‌آموزان را به خویشتن‌پذیری و بالاترین سطح آگاهی از خودشان و رفتارهایشان هدایت نماید. افزون بر این، در این شرایط دانش‌آموز بدون آن‌که نسبت به مقررات انضباطی حالت دفاعی داشته باشد، از آزادی عمل برخوردار است (سیف، ۱۳۹۰).

## ۲-۳- رویکرد مداخله‌گرایانه

بر اساس فرض اصلی این رویکرد، محیط بیرونی، رشد را شکل می‌دهد. مکتب تغییر رفتار یا رفتارگرایی، پایه‌ی تئوریک این رویکرد است. معلم رفتارگرا علت بدرفتاری دانش‌آموزان را تأثیر نیروهای محیط بیرون می‌داند و بر اساس این باور سعی بر دخالت و کنترل رفتار دانش‌آموز، جهت تغییر و بهبودی دارد. یکی از معروف‌ترین نظریه‌های مدیریت کلاس مبتنی بر انضباط جرئت‌ورزانه بر رویکرد مداخله‌گر ایان، تئوری لی کانتر است. به عقیده‌ی وی، معلم جرأت‌ورز، معلمی است که انتظاراتش را به وضوح بیان می‌کند؛ دانش‌آموزان را از پیامدهای ناشی از برآورده کردن یا برآورده نکردن این انتظارات آگاه می‌نماید و از خطاها چشم‌پوشی نمی‌کند. کانتر اثربخشی هر نظام انضباطی، منوط به حفظ ارتباط مؤدبانه و حمایت‌کننده‌ی معلم و دانش‌آموز است. معلم مداخله‌گر، تلاش می‌کند، با اعمال کنترل و نظارت بیشتر بر فعالیت‌ها و رفتار دانش‌آموزان و تأکید بر قوانین و انضباط کلاس، به اهداف آموزشی دست یابد. این رویکرد در مقابل مدیریت غیر مداخله‌گرایانه قرار دارد و یک سبک معلم محور است. مداخله‌گرایان معتقدند که دانش‌آموزان اصولاً رفتارهای مناسب را یاد می‌گیرند؛ اما زمانی که رفتارشان به‌وسیله‌ی پاداش‌ها و تنبیه‌هایی که معلم به وجود می‌آورد، تقویت شود؛ بنابراین معلم بایستی کنترل بیشتری را بر فعالیت‌های کلاس درس اعمال کند (اویک آیدین و همکاران، ۲۰۰۹).

۱. Eveyik & Aydin

۲. Rogers

۳ - Eveyik



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فرض اصلی این رویکرد این است که محیط بیرونی و تقویت‌های حاصل از آن، رشد را شکل می‌دهد. یکی از اولین تئوری‌های مرسوم شده در روان‌شناسی مقدماتی، مکتب تغییر رفتار یا رفتارگرایی با نظریه‌های اسکینر و پاولف است که پایه‌ی تئوریک این رویکرد است. شرطی‌سازی کلاسیک، شرطی‌سازی فعال، تنبیه، تقویت و محرک و ... از اصطلاحات کلیدی این مکتب هستند. معلم رفتارگرا علت بدررفتاری دانش آموزان را تأثیر نیروهای محیط بیرون می‌داند و بر اساس این باور سعی بر دخالت و کنترل رفتار دانش‌آموز جهت تغییر و بهبود دارد. یکی از معروف‌ترین نظریه‌های انضباطی مبتنی بر رویکرد مداخله‌گرایان، تئوری «انضباط قاطع» لی کانتر است. به عقیده‌ی وی یک معلم قاطع، معلمی است که انتظاراتش را به وضوح بیان می‌کند و دانش آموزان را از پیامدهای ناشی از برآورده کردن یا برآورده نکردن این انتظارات آگاه می‌کند. کانتر بیان می‌کند برای اثربخش بودن هر سیستم انضباطی، بایستی زمینه‌ای از احترام و حمایت در رابطه‌ی بین معلم و دانش‌آموز وجود داشته باشد. همچنین ولفگانگ و گلیکمن در سال ۱۹۸۶ بیان می‌کنند که یک معلم قاطع مقررات و فعالیت‌هایی را برای پذیرش یا عدم پذیرش به دانش آموزان انتقال می‌دهد و معلمان باید برای شکل‌گیری و تقویت رفتار مناسب، از طریق تقویت مشروط و تنبیه و تمایز رفتار نامناسب اقدام کنند. یک درک منفی از تئوری مداخله‌گرایی معلم این است که دانش آموزان یک شیوه‌ی رفتاری مناسب را نمی‌آموزند؛ بلکه تنها به خاطر بدررفتاری‌شان تنبیه می‌شوند. معلم مداخله‌گرا، تلاش می‌کند با اعمال کنترل و نظارت بیشتر بر فعالیت‌ها و رفتار دانش آموزان و تأکید بر قوانین و انضباط کلاس، به اهداف آموزشی دست یابد (رضاپور و همکاران، ۱۳۹۵).

میلی (۲۰۰۷). رویکرد انضباط مداخله‌گر شامل پنج مرحله‌ی مهم می‌گردد:

الف) معلم هرگونه مانع را که در رویکرد انضباطی دانش‌آموز وجود دارد، مشخص می‌کند و کنار می‌زند.

ب) قوانین و محدودیت‌هایی را برای دانش آموزان مشخص می‌نماید.

پ) در برابر مسائل انضباطی قدرت پاسخ‌گویی دارد.

ت) از قوانین کلاس درس پیروی می‌کند.

ث) رفتار مثبت و مناسب دانش آموزان را شناسایی و تقویت می‌کند.

## ۳-۳- رویکرد تعامل‌گرایانه

این رویکرد که در میان دو رویکرد دیگر قرار دارد، بر مبنای پیش‌فرض‌های مکتب روانشناسی اجتماعی، هم‌بر فعالیت‌هایی که فرد برای تغییر محیط انجام می‌دهد، تأکید دارد و هم به عوامل محیطی که بر فرد اثر می‌گذارد، توجه دارد. ویلیام گلاسر، یک چارچوب نظری برای این رویکرد به وجود آورده و معتقد است، دانش آموزان مسئول یادگیری در مدرسه هستند و معلم باید به آن‌ها کمک کند تا رفتار خوب را انتخاب کنند. در نظریه‌ی گلاسر، قواعد کلاس درباره‌ی رفتارهای مناسب و نامناسب، طی جلسات کلاسی و مشارکتی تعیین می‌شود. در این کلاس‌ها کنترل و انضباط در فرآیندی تعاملی، میان معلم و دانش‌آموز به وجود می‌آید و دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی کلاس سهیم می‌شوند. معلم به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا ناظر فعالیت‌های خود باشند و درباره‌ی رفتار خود قضاوت کنند. در این کلاس، در یک فرآیند مذاکره‌ی دوطرفه ارزیابی صورت می‌گیرد. کلاس تعاملی، نه مانند مداخله‌گرایان، معلم محور است و نه مانند غیرمداخله‌گرایان، دانش‌آموز محور، بلکه اصل اساسی و محور کار در کلاس همکاری است. رویکرد غیرمداخله‌گرایانه در این رویکرد، بر اساس باور انسان‌گرایان، فرض بر این است که کودک انگیزه‌ی درونی برای شناخت دنیای واقعی را دارد و نیازی به تحریک بیرونی ندارد، زیرا که رشد، بر اساس گزینه پدید می‌آید (مارتین و شوهو، ۲۰۰۰).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در رویکرد انسان‌گرای کارل راجرز، تأکید بر پذیرش و توجه مثبت غیرمشروط است، پذیرش کودک و دانش‌آموز از سوی معلم. این پذیرش و محبت، مثبت و غیرمشروط است یعنی مشروط به رفتار خوب یا بد کودک نیست. راجرز این توجه را لازمه‌ی رسیدن به رشد همه‌جانبه و خودشکوفایی می‌داند؛ به عبارت دیگر معلم انسان‌گرا هیچ‌گاه به دانش‌آموزان نمی‌گوید چه چیز درست و چه چیز اشتباه است؛ یا برای حل مسئله چه کاری باید انجام شود، زیرا معلم باور دارد، دانش‌آموزان، خود قادر به یادگیری و کنترل رفتار خویش هستند. معلمان باید برای یادگیری فرصت فراهم کنند. به نظر او معلم انسان‌گرا، شخصی نیست که دستور می‌دهد، می‌سازد، الگوسازی می‌کند، مجبور می‌نماید، وادار می‌کند و ریشخند می‌زند بلکه معلم، یاری‌رسان فرآیندی است که از قبل وجود داشته است و ادامه می‌یابد. چنین معلمی، تسهیلگر، مشوق، کمک‌کننده، همکار و دوست دانش‌آموز است.

این رویکرد که در میان دو رویکرد بالا قرار دارد، بر مبنای پیش‌فرض‌های روانشناسی اجتماعی، هم بر فعالیت‌هایی تأکید دارد که فرد برای تغییر محیط انجام می‌دهد و هم به عوامل محیط توجه دارد که بر فرد اثر می‌گذارد. تعامل‌گرایان نه مانند مداخله‌گرایان معلم محور و نه مانند غیرمداخله‌گرایان دانش‌آموز محور هستند؛ بلکه محور کار در کلاس درس و اصل اساسی آن «همکاری» بین معلم و دانش‌آموز است. از دیدگاه این رویکرد دانش‌آموزان رفتار مناسب را در نتیجه‌ی برخورد و تعامل با دنیای بیرونی افراد و اشیاء فرامی‌گیرند؛ بنابراین تعامل‌گرایان اظهار می‌کنند که دانش‌آموزان و معلمان باید برای کنترل کلاس و ایجاد انضباط مسئولیت مشترکی داشته باشند (اویک آیدین و همکاران، ۲۰۰۹).

بر اساس این رویکرد همیشه ضروری نیست که دانش‌آموزان خودشان فعالیت‌های خودانگیخته‌ای داشته باشند تا بر طبق الگوهای جدید رفتاری تقویت شوند. ویلیام گلاسر یکی از طرفداران تعامل‌گرایی تأکید می‌کند که دانش‌آموزان برای یادگیری و داشتن رفتار مناسب مسئولیت دارند و با کمک معلم می‌توانند انتخاب‌های صحیحی در مورد رفتارشان در مدرسه داشته باشند و جلسات کلاس درس نیز با توجه به مقررات برقرار شده در کلاس، رفتار دانش‌آموز و موضوعات بدرفتاری و پیامدهای آن جذاب باشد (مارتین و بالدوین، ۱۹۹۲).

## ۴- بحث و نتیجه‌گیری

بنابراین می‌توان گفت مدیریت کلاس درس یکی از مهم‌ترین مسائل در تنظیمات آموزش و پرورش و مورد نیاز برای بررسی اعتقادات و اعمال مدیریت کلاس درس معلمان است. اهمیت مدیریت کلاس و نقش آن در تدریس اثربخش، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که مشاهده شود مربیان و مدرسان مبتدی، زمان زیادی را صرف سازمان‌دهی و مدیریت کلاس می‌نمایند و تا زمانی که نتوانند کلاس خود را به درستی سازمان‌دهی و مدیریت نمایند نمی‌توانند توجه و تمرکز خود را به فرآیند یادگیری-یاددهی معطوف نمایند. هنگامی که معلم از آزردن دانش‌آموزان و پیش‌داوری‌های غیراصولی پرهیز می‌کند و نیز توجه و علاقه-ی خود را به آن‌ها ابراز می‌دارد رابطه‌ی مطلوب میان معلم و دانش‌آموز برقرار می‌شود هنگامی که دانش‌آموزان معلم خود را دوست داشته باشند و به او اعتماد کنند و احترام بگذارند تأثیر بسزایی بر گرایش‌های انگیزش تحصیلی ایشان خواهد داشت. هنگامی که دانش‌آموزان به معلم خویش اعتماد دارند احساس امنیت می‌کنند زیرا می‌دانند در صورتی که بروز مشکل معلم حتماً از آن‌ها حمایت خواهد کرد، همچنین این امر موجب می‌شود تا ادراک کفایت آن‌ها افزایش یابد.



## منابع

۱. رضایور میر صالح، یاسر؛ پورعابدینی اردکانی، محمد؛ موسوی ندوشن، سیدحسین (۱۳۹۵) تاثیر منبع کنترل معلم، خودکارآمدی مدیریت کلاس و نظم، و خودکارآمدی در تدریس بر جو محیطی کلاس در معلمان دوره ابتدایی، رویکردهای نوین آموزشی، شماره ۲۳ علمی-پژوهشی/ISC (۲۱ صفحه - از ۱۲۵ تا ۱۴۵)
۲. زندی، احمد، (۱۳۹۱) رابطه صمیمانه معلم و دانش آموز، ماهنامه رشد معلم، شماره ۰۳
۳. سیف، علی اکبر (۱۳۹۰) مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، تهران، نشر روان
۴. کدیور، پروین و جوادی، محمدجعفر (۱۳۹۱) برگزیده متون روانشناسی، تهران: انتشارات آبیژ
۵. ناصرزاده نعمت اله، شیخی سعید (۱۳۹۳) بررسی مدیریت کلاس معلمان در مدارس به عنوان جزئی از برنامه درسی پنهان و ارتباط آن با عزت نفس دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهر آبدانان، نشریه مطالعات آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، شماره ۱
۶. هادی مریم، (۱۳۹۵). بررسی رابط سبک های مدیریت کلاسی معلمان با خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، مطالعات مدیریت و کارآفرینی، دوره ۲، شماره ۳
۷. یغما، عادل، (۱۳۹۰) کاربرد روش‌ها و الگوهای تدریس، تهران، انتشارات مدرسه
۸. Djigic, G. & Stojiljkovic, S. (2011). Classroom management styles, classroom climate and school achievement. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۲۹(۱), ۸۱۹ – ۸۲۸
۹. Evertson, C. M. & Weinstein, C. S. (2006). Classroom management as a field of inquiry. In C. M. Evertson, & C. S. Weinstein's (Eds). *Handbook of classroom management: Research, practice, and contemporary issues* (pp. 3e15). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates
۱۰. Martin, N. K., & Shoho, A. (2003). Attitudes & Beliefs Regarding Classroom Management Styles: The Impact Of Teacher Preparation Vs, Experience. *Reserch In The School*, 29-3۴
۱۱. Millei, Z. (2007). Controlling or Guiding Students –What’s the Difference? A Critique of Approaches to Classroom Discipline NZARE and AARE Conference. <http://www.aare.edu.au/07pap/code07.htm#M - mil07410.pdf>
۱۲. Urdan, T., & schenfelder, E. (2006). clssroom effects on student motivation goal structures, social relationship and competence beliefs . *Journal of School psychology*, 44; 331-3۴۹
۱۳. Van Petegem, K., Creemers, B. P. M, Rosseel, Y., & Aelterman, A. (2009). Relationship between teacher characteristics, interpersonal teacher behavior and teacher wellbeing. *Journal of Classroom Interaction*, 40, 34-43.